



Financial Crises in the Mirror of Speculation: From the 2008 Crisis to Imami Jurisprudential Remedies

✉ **Mohammad-Hadi Rostami**  / Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Islamic Studies and Research, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran rostami@isr.ikiu.ac.ir

Mohammad-Zaman Rostami / Associate Professor, Department of Islamic Economics, Faculty of Economics and Management, University of Qom, Qom, Iran mz.rostami@qom.ac.ir

Received: 2025/01/04 - **Accepted:** 2025/03/11

Abstract

Economic crises often originate from structural flaws in modern financial systems and speculative behavior. This paper uses an analytical method to assess the role of speculation in triggering crises and to evaluate the preventive potential of Imami jurisprudence. The main research question is: What factors contributed to the emergence of economic crises in the West, and can Imami jurisprudence prevent similar occurrences? The central hypothesis posits that speculative behavior plays a significant role in exacerbating economic crises, while Imami jurisprudence—through principles such as profit-and-loss sharing, prohibition of ribā, the principle of no harm (lā ḍarar), prohibition of gharar, and emphasis on transparency and justice—possesses preventive capacities. The findings indicate that by restricting non-productive activities and channeling capital toward productive enterprises, Imami jurisprudence can promote economic stability and serve as a proactive framework against financial crises.

Keywords: Speculation, Economic Crises, Financial Innovation, Transparency, Productive Activities.

JEL Classification: G01, G15, D53, B55, E44

بحران‌های مالی در آینه سفته‌بازی: از تحلیل بحران ۲۰۰۸ تا راهکارهای فقه امامیه

محمدزمان رستمی  / استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

rostami@isr.ikiu.ac.ir

mz.rostami@qom.ac.ir

محمدزمان رستمی / دانشیار گروه اقتصاد اسلامی دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه قم، قم، ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۱

چکیده

بحران‌های اقتصادی ناشی از آسیب‌های ساختاری نظام‌های مالی مدرن و رفتارهای سفته‌بازانه است. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی و با بررسی نقش سفته‌بازی در ایجاد بحران‌ها، به ارزیابی ظرفیت فقه امامیه در پیشگیری از این بحران‌ها می‌پردازد. پرسش اصلی مقاله این است که چه عواملی در شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی غرب نقش داشته‌اند و آیا فقه امامیه می‌تواند از وقوع بحران‌های مشابه جلوگیری کند؟ بر اساس فرضیه پژوهش، رفتارهای سفته‌بازانه در تشدید بحران‌های اقتصادی مؤثر بوده و فقه امامیه با تأکید بر اصولی چون مشارکت در سود و زیان، منع ربا، قاعده لاضرر، منع غرر و اصول شفافیت و عدالت، توانایی پیشگیری از بحران‌ها را دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش، فقه امامیه با محدودسازی فعالیت‌های غیرمولد و هدایت سرمایه‌ها به فعالیت‌های مولد، می‌تواند ثبات اقتصادی را تقویت کرده و به‌عنوان چارچوبی پیشگیرانه در برابر بحران‌های مالی عمل کند.

کلیدواژه‌ها: سفته‌بازی، بحران‌های اقتصادی، نوآوری‌های مالی، شفافیت، فعالیت‌های مولد.

طبقه‌بندی JEL: G01, G15, D53, B55, E44

مقدمه

تحولات اقتصادی در طول تاریخ نشان‌دهنده گذار از ساختارهای سنتی مانند فئودالیسم به نظام‌های پیشرفته‌تری نظیر اقتصادهای مبتنی بر تولید مولد، کارآفرینی و نوآوری بوده است. با این حال، ظهور فعالیت‌های غیرمولد، به‌ویژه رفتارهای سفته‌بازانه، به‌عنوان یکی از عوامل مخرب، موجب انحراف منابع از بخش‌های مولد، افزایش شکندگی نظام‌های مالی و تشدید بحران‌های اقتصادی شده است. این رفتارها که اغلب در بستر ضعف نهادی، نبود شفافیت و ناکارآمدی نظارت شکل می‌گیرند، پیامدهایی همچون انباشت ریسک‌های سیستمی و فروپاشی بازارها را به همراه دارند. در این میان، نظام مالی اسلامی با ابزارهایی مانند منع ربا، مشارکت در سود و زیان، ممنوعیت معاملات غرری و تأکید بر شفافیت و عدالت، ظرفیت لازم برای محدودسازی فعالیت‌های غیرمولد و تقویت سرمایه‌گذاری‌های مولد را داراست. بنابراین بهره‌گیری از اصول این نظام می‌تواند به کاهش بی‌ثباتی اقتصادی و پیشگیری از بحران‌های مالی آینده کمک کند.

بحران‌های مالی، به‌عنوان یکی از جدی‌ترین معضلات اقتصادی در قرون اخیر، در مقاطع مختلف زمانی و به اشکال متنوعی رخ داده‌اند. از بحران اعتباری لندن در سال ۱۷۷۲ گرفته تا رکود بزرگ ۱۹۲۹، بحران آسیای ۱۹۹۷ و بحران بدهی‌های اروپا در ۲۰۱۰، همگی نشان‌دهنده تأثیرات مخرب رفتارهای سوداگرانه و سازوکارهای ناکارآمد در نظام‌های مالی هستند. با این حال، بحران مالی ۲۰۰۸، به دلیل ابعاد گسترده‌تر و تأثیرات عمیق‌تر آن بر اقتصاد جهانی، یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها برای تحلیل رفتارهای سفته‌بازانه و آسیب‌پذیری‌های ساختاری نظام مالی مدرن محسوب می‌شود.

در بحران ۲۰۰۸، رفتارهای سوداگرانه و سفته‌بازی‌های افراطی که بر پایه ابزارهای مالی پیچیده‌ای نظیر اوراق بهادارسازی دارایی‌های پرریسک و مشتقات اعتباری انجام شد، نقشی محوری در انباشت ریسک‌های سیستماتیک و انتقال آنها به مقیاس جهانی ایفا کردند. این رفتارها که از عدم شفافیت اطلاعاتی و ضعف نظارت مقرراتی سرچشمه می‌گرفتند، به همراه سیاست‌های پولی نادرست مانند نرخ بهره پایین، موجب ایجاد حباب‌های قیمتی در دارایی‌هایی نظیر مسکن شدند و در نهایت، فروپاشی بازارهای مالی و رکود گسترده‌ای را رقم زدند. در این میان، ناکارآمدی در مدیریت ریسک، ازجمله وجود سازوکارهای معیوب بیمه سپرده که به جای کاهش ریسک، آن را تشدید می‌کرد، بر وخامت اوضاع افزود.

بحران‌های اقتصادی که به‌واسطه سفته‌بازی رخ داده‌اند، از مهم‌ترین وقایع تاریخ اقتصادی به‌شمار می‌آیند. این بحران‌ها نه تنها به بی‌ثباتی‌های مالی و اقتصادی منجر می‌شوند، بلکه آثار عمیقی بر ساختارهای اجتماعی و سیاسی نیز بر جای می‌گذارند (Reinhart & Rogoff, 2009, p123). در این زمینه، برخی از مهم‌ترین بحران‌های ناشی از سفته‌بازی که تأثیرات جهانی به بار آورده‌اند، مرور می‌شوند.

یکی از نمونه‌های بارز سفته‌بازی اقتصادی، حباب قیمت گل لاله در هلند در سال ۱۶۳۷ بود. این حباب با افزایش ناگهانی و غیرمعمول قیمت پیازهای لاله آغاز شد و پس از فروپاشی، بسیاری از سرمایه‌گذاران را به ورشکستگی کشاند.

بحران دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، بحران دریای جنوبی انگلستان در سال ۱۷۲۰ است. در این بحران، شرکت دریای جنوبی با تبلیغات اغراق‌آمیز، سفته‌بازان را به خرید سهام ترغیب کرد، اما با ترکیدن حباب سهام، تعداد زیادی از سرمایه‌گذاران و نهادهای مالی به ورشکستگی دچار شدند (Kindleberger & Aliber, 2005, p45).

هم‌زمان با بحران دریای جنوبی، جان لائو در فرانسه با تأسیس یک بانک و شرکتی برای توسعه تجارت، حباب سفته‌بازی بزرگی را به وجود آورد. فروپاشی این حباب منجر به بحران حباب می‌سی‌سی‌پی فرانسه در همان سال و سقوط اقتصادی این کشور شد (Shiller, 2015). بحران پنج‌شنبه سیاه بازار سهام نیویورک در سال ۱۹۲۹ که آغازگر رکود بزرگ جهانی در دهه ۱۹۳۰ بود، نتیجه سفته‌بازی‌های شدید در بازار سهام نیویورک بود که نهایتاً به سقوط بازار و فروپاشی اقتصاد جهانی انجامید (Reinhart & Rogoff, 2009).

بانک‌های دانمارک در پی سفته‌بازی در دارایی‌های خارجی و اوراق قرضه‌های پرریسک دچار ورشکستگی شدند و این موضوع منجر به بحران بانکی دانمارک در سال ۱۹۰۷ و بی‌اعتمادی عمومی به سیستم مالی گردید (Reinhart & Rogoff, 2009). بازار مالی فرانسه نیز با سفته‌بازی‌های گسترده در سهام و اوراق قرضه دچار افزایش غیرطبیعی قیمت‌ها شد و در پی ترکیدن حباب، بحران بورس فرانسه در سال ۱۸۸۲ و رکود اقتصادی شدیدی به بار آورد.

بحران مالی آفریقای جنوبی در سال ۱۸۹۰ به واسطه سفته‌بازی در بازارهای زمین و منابع طبیعی، به‌ویژه طلا و الماس، به وقوع پیوست و با کاهش تقاضا و سقوط قیمت‌ها، اقتصاد این کشور دچار رکود عمیقی گردید (Kindleberger & Aliber, 2005). حباب قیمتی شدید در املاک و سهام ژاپن در دهه ۱۹۸۰، پس از ترکیدن، اقتصاد این کشور را به دهه‌ای از رکود طولانی‌مدت دچار کرد (shiller, 2015).

در کشورهای آسیای شرقی نظیر تایلند، کره جنوبی و اندونزی، سفته‌بازی در بازارهای سهام و ارز و بدهی‌های کوتاه‌مدت خارجی به بحران مالی آسیای شرقی (۱۹۹۷-۱۹۹۸) منجر شد و سقوط ارزهای ملی و رکود اقتصادی را به دنبال داشت (Reinhart & Rogoff, 2009). در سال ۱۹۹۸، با کاهش قیمت نفت و سفته‌بازی در اوراق قرضه دولتی، روسیه با بحران مالی و ارزی مواجه شد که منجر به ورشکستگی دولت و کاهش ارزش روبل گردید.

در بحران اقتصادی برزیل در سال ۱۹۹۹، سفته‌بازان با فروش گسترده ریال برزیل، ارزش آن را به شدت کاهش دادند و دولت ناچار به مداخلات اقتصادی گسترده‌ای شد (Kindleberger & Aliber, 2005). همچنین سفته‌بازی در بازار سهام شرکت‌های فناوری در دهه ۱۹۹۰، به ایجاد حبابی منجر شد که با ترکیدن آن در سال ۲۰۰۰، بسیاری از شرکت‌های فناوری و سرمایه‌گذاران به ورشکستگی دچار شدند (shiller, 2015).

شرکت‌های انرژی نظیر انرون نیز با کاهش مصنوعی عرضه برق، سفته‌بازی کرده و قیمت‌ها را به طرز غیرقابل تصویری افزایش دادند، که این امر نهایتاً به بحران انرژی کالیفرنیا (۲۰۰۰-۲۰۰۱) و فروپاشی شرکت‌های بزرگی چون

انرون منجر شد. همچنین سفته‌بازی در بازار مسکن و اوراق بهادار مسکن در سال ۲۰۰۸، حبابی را ایجاد کرد که با ترکیدن آن، سیستم بانکی ایالات متحده سقوط کرد و بحران مالی جهانی را به دنبال داشت.

این بحران‌ها نشان‌دهنده اثرات مخرب سفته‌بازی‌های غیرمحتاطانه بر اقتصاد جهانی هستند و همواره یادآور اهمیت مدیریت دقیق بازارهای مالی و اقتصادی می‌باشند.

نوآوری اصلی این مقاله در شناسایی و معرفی مفهوم اخلاق‌زدایی مالی است. این مفهوم به وضعیتی اشاره دارد که در آن نظام‌های مالی مدرن، با تکیه بر ابزارهای پیچیده و رفتارهای سوداگرانه، اصول اخلاقی، عدالت اقتصادی و پایداری بلندمدت را نادیده گرفته و سودهای کوتاه‌مدت و انباشت ریسک‌های پنهان را در اولویت قرار داده‌اند. اخلاق‌زدایی مالی، به‌ویژه در بحران ۲۰۰۸، به‌وضوح نمایان شد، جایی که مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاران با نادیده گرفتن تبعات اجتماعی و اقتصادی اقدامات خود، زمینه فروپاشی ساختارهای مالی را فراهم آوردند.

از سوی دیگر، نظام مالی اسلامی که بر اصول بنیادینی همچون عدالت، شفافیت و حذف ربا استوار است، می‌تواند به‌عنوان جایگزینی اخلاق‌محور و پایدار در برابر نظام مالی متعارف مطرح شود. در این نظام، ابزارهایی نظیر عقود مشارکتی و اصولی مانند منع غرر، نه تنها رفتارهای سفته‌بازانه را محدود می‌کنند، بلکه با ایجاد پیوند میان بخش‌های واقعی و مالی اقتصاد، ریسک‌ها را به‌صورت منصفانه توزیع کرده و پایداری ساختارهای مالی را تقویت می‌نمایند.

این مقاله با تمرکز بر بحران مالی ۲۰۰۸ و بررسی مفهوم اخلاق‌زدایی مالی، تلاش می‌کند تا ضمن تحلیل ریشه‌های ساختاری و نهادی این بحران، راهکارهای ارائه‌شده توسط نظام مالی اسلامی را به‌عنوان الگویی عملی برای مدیریت ریسک و پیشگیری از بحران‌های مشابه ارائه دهد. در این راستا، سازوکارهای مالی اسلامی نه تنها به‌عنوان رویکردی نوین در تنظیم بازارهای مالی، بلکه به‌عنوان راهبردی برای بازگرداندن اصول اخلاقی به هسته سیاست‌گذاری‌های اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

پیشینه تحقیق

میرمعزی (۱۳۸۲)، بورس‌بازی به‌گونه‌ای سالم و به دور از احتکار و ائتلاف و انتشار اخبار کذب و معاملات صوری و مانند آن را از دیدگاه فقهی بررسی، و پس از نقل اقوال و استفاده از آیات و روایات، جواز آن، در صورتی که در چارچوب احکام باب معاملات انجام پذیرد را اثبات می‌کند.

وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۸۷) با بررسی روند بحران مالی بین‌المللی و عوامل تشدیدکننده آن، به این نتیجه می‌رسد که ضعف در شفافیت اطلاعاتی و عدم نظارت مؤثر بر مؤسسات مالی در سطح جهانی، منجر به بروز بحران‌های اقتصادی شده است. این گزارش با تحلیل تطبیقی داده‌های کشورهای مختلف نشان می‌دهد که اصلاح سیستم‌های نظارتی و تقویت هماهنگی بین‌المللی می‌تواند از بروز بحران‌های مشابه جلوگیری کند.

علی‌نقی لنگری (۱۳۹۰) با مرور تعاریف متداول بورس‌بازی و تحلیل فقهی و اقتصادی آن و با توجه به اجماع نظرهای بزرگان در مورد برخی از بورس‌بازی‌های حرام، انواعی از بورس‌بازی را که معیار قیمت عادلانه را رعایت نموده یا موجب ایجاد نابسامانی در بازارها می‌شوند را مخالف با تعالیم شریعت اسلام می‌شمرد.

میرجلیلی (۱۳۸۷) با بررسی ریشه‌های بحران مالی آمریکا، نشان می‌دهد که یکی از عوامل اصلی بحران ۲۰۰۸، عملکرد ضعیف نظام‌های مالی و گسترش ریسک‌های بی‌ضابطه در بازارهای مالی بوده است. با استفاده از تحلیل‌های ساختاری، او به این نتیجه می‌رسد که تقویت نظارت و اصلاح سیاست‌های مالی می‌تواند از بروز بحران‌های مالی مشابه جلوگیری کند.

درخشان (۱۳۹۰) با بررسی ماهیت و علل بحران مالی ۲۰۰۸ و تأثیر آن بر اقتصاد ایران نشان می‌دهد که بحران مالی جهانی به دلیل ضعف‌های ساختاری در بازارهای مالی و عدم نظارت کافی در سطح بین‌المللی ایجاد شده است. وی با استفاده از تحلیل داده‌های اقتصادی و روش‌های کیفی نشان می‌دهد که اقتصادهای در حال توسعه، مانند ایران، به‌ویژه از نوسانات این بحران متأثر شدند و نتیجه می‌گیرد که اصلاحات ساختاری و تقویت نظارت مالی در داخل کشور برای جلوگیری از بحران‌های مشابه ضروری است.

گائو، ساکین و ژونگ (۲۰۲۰) با بررسی تأثیرات اقتصادی سفته‌بازی در بازار مسکن، نشان می‌دهند که سفته‌بازی می‌تواند موجب افزایش قیمت‌ها و نوسانات اقتصادی در بازار مسکن شود. آنها با استفاده از مدل‌های اقتصادی به این نتیجه می‌رسند که سیاست‌های تنظیمی می‌تواند از گسترش نوسانات در این بازار جلوگیری کند.

یئون‌جین، کیم، چوی و جون (۲۰۲۲) با بررسی طراحی سیستم برای شناسایی سوءاستفاده از اطلاعات در بازار مسکن، نشان می‌دهند که نظارت دقیق بر بازارهای مسکن و استفاده از اطلاعات داخلی می‌تواند به کاهش سفته‌بازی در این بازار کمک کند. آنها با استفاده از مدل‌های شبیه‌سازی و تحلیل‌های تجربی به این نتیجه می‌رسند که سیستم‌های نظارتی پیشرفته می‌تواند موجب کاهش نوسانات بازار شود.

کابلرو و سیمسک (۲۰۲۰) با بررسی مدل‌های ریسک‌محور رکود تقاضا و تأثیرات سفته‌بازی، نشان می‌دهند که سفته‌بازی در بازارهای مالی می‌تواند موجب تشدید رکودهای اقتصادی شود. آنها با استفاده از شبیه‌سازی‌های ریاضی و تحلیل‌های ساختاری به این نتیجه می‌رسند که مدیریت ریسک‌های سیستماتیک می‌تواند از بحران‌های اقتصادی جلوگیری کند.

آچاری و ریچاردسون (۲۰۰۹) با بررسی بحران‌های مالی و تأثیرات سفته‌بازی در اقتصاد، به این نتیجه می‌رسند که تقویت سیستم‌های نظارتی و شفافیت در بازارهای مالی می‌تواند از بروز بحران‌های مالی جلوگیری کند.

سیمسک (۲۰۲۰) با بررسی اقتصاد کلان و سفته‌بازی‌های مالی، نشان می‌دهد که سفته‌بازی در بازارهای مالی می‌تواند موجب تشدید نوسانات اقتصادی و بحران‌های مالی شود. او با استفاده از مدل‌های تحلیلی به این نتیجه می‌رسد که مدیریت بهینه ریسک‌ها و تقویت نظارت بر بازارها می‌تواند از بحران‌های مالی جلوگیری کند.

بیکر و وورگلر (۲۰۲۰) با بررسی تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران بر بازار سهام، نشان می‌دهند که احساسات و رفتارهای احساسی می‌تواند منجر به نوسانات شدید در بازارهای مالی شود. آنها با استفاده از داده‌های آماری و تحلیل‌های تجربی به این نتیجه می‌رسند که ایجاد سیاست‌های نظارتی مؤثر می‌تواند نوسانات غیرعقلانی در بازار را کاهش دهد.

اکرلوف و شیلر (۲۰۱۰) با بررسی تأثیرات روان‌شناسی انسانی بر اقتصاد، نشان می‌دهند که رفتارهای غیرعقلانی و احساسات جمعی در بازارهای مالی می‌تواند منجر به بحران‌های اقتصادی شود. با استفاده از مدل‌های رفتاری، آنها به این نتیجه می‌رسند که مدیریت احساسات و تقویت تصمیم‌گیری‌های اقتصادی می‌تواند از بحران‌های مالی جلوگیری کند.

کابلرو و سیمسک (۲۰۲۰) با بررسی مدل‌های ریسک‌محور رکود تقاضا و تأثیرات سفته‌بازی، نشان می‌دهند که سفته‌بازی در بازارهای مالی می‌تواند موجب کاهش تقاضا و تشدید رکودهای اقتصادی شود. آنها با استفاده از مدل‌های ریاضی و تحلیل‌های اقتصادی به این نتیجه می‌رسند که مدیریت بهینه ریسک‌ها در بازارهای مالی می‌تواند از بروز بحران‌های اقتصادی جلوگیری کند.

شیلر (۲۰۱۵) با بررسی بحران مالی ۲۰۰۸ و راه‌حل‌های آن، نشان می‌دهد که بحران ناشی از سفته‌بازی‌های بی‌رویه در بازار مسکن و عدم نظارت کافی بوده است. وی با استفاده از تحلیل‌های اقتصادی و داده‌های تاریخی به این نتیجه می‌رسد که تقویت نظارت و اصلاح سیاست‌های مالی می‌تواند از بحران‌های مشابه جلوگیری کند.

کالدور (۱۹۳۹) با بررسی تأثیرات سفته‌بازی بر ثبات اقتصادی، نشان می‌دهد که سفته‌بازی می‌تواند موجب تشدید نوسانات قیمت‌ها و بی‌ثباتی در بازارهای اقتصادی شود. او با استفاده از مدل‌های اقتصادی و تحلیل‌های تاریخی به این نتیجه می‌رسد که ایجاد سازوکارهای نظارتی و شفافیت بیشتر می‌تواند از این نوسانات جلوگیری کند.

گورتن (۲۰۱۰) با بررسی بحران مالی ۲۰۰۷، نشان می‌دهد که بحران‌های مالی به دلیل بی‌ثباتی در بازارهای مالی و ضعف در نظارت بر مؤسسات مالی به وقوع پیوسته‌اند. وی با استفاده از تحلیل تجربی به این نتیجه می‌رسد که تقویت نظارت مالی و مدیریت بهتر ریسک‌ها می‌تواند از وقوع بحران‌های مشابه در آینده جلوگیری کند.

۱. تأثیر سفته‌بازی بر بحران‌های اقتصادی، از منظر نظریه‌های اقتصادی

سفته‌بازی، به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و تأثیرگذارترین پدیده‌های اقتصادی در دوران معاصر، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به بحران‌های مالی و اقتصادی ایفا کرده است. این پدیده، با انحراف قیمت‌ها از ارزش‌های ذاتی و افزایش نوسانات در بازارها، به یک عامل بی‌ثبات‌کننده در سیستم‌های اقتصادی بدل شده است. در این تحقیق با بهره‌گیری از رویکردی جامع، ابعاد مختلف سفته‌بازی از تئوری‌های بنیادین تا پیامدهای اجتماعی و راهکارهای کنترلی بررسی می‌شود.

نظریه‌های سفته‌بازی و حباب‌های اقتصادی

پدیده سفته‌بازی به‌طور عمده از طریق مدل‌های مالی مرتبط با حباب‌های قیمت دارایی (asset price bubbles) و بازارهای ناکارآمد (inefficient markets) مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس تئوری‌های اقتصادی، سفته‌بازان با

خرید و فروش دارایی‌ها به دنبال سودآوری از نوسانات کوتاه‌مدت قیمتی هستند، بی‌آنکه توجهی به ارزش‌های ذاتی آن دارایی‌ها داشته باشند (Schiller, 2015). این موضوع می‌تواند به ایجاد حباب‌های قیمتی منجر شود؛ به این معنا که قیمت دارایی‌ها تا سطوح غیرمنطقی افزایش می‌یابد، بدون آنکه تغییری در عوامل بنیادی اقتصادی رخ داده باشد. حباب‌های قیمتی، نمونه‌هایی از ناکارآمدی بازار هستند که در آنها اطلاعات کامل به‌درستی در قیمت‌ها بازتاب نمی‌یابد؛ برای مثال، حباب قیمت سهام در اواخر دهه ۱۹۹۰ و حباب بازار مسکن در امریکا پیش از بحران مالی ۲۰۰۸، نشان‌دهنده تأثیر مستقیم سفته‌بازی بر بازارهای مالی و ایجاد بحران‌های اقتصادی است.

تأثیر سفته‌بازی بر نوسانات کلان اقتصادی

سفته‌بازی در اقتصاد کلان، به‌عنوان مکانیزمی پیچیده و چندبعدی، از طریق تأثیرگذاری بر نرخ‌های بهره، نرخ ارز و قیمت کالاهای پایه، موجبات بی‌ثباتی ساختاری و نوسانات شدید مالی را فراهم می‌آورد. در چارچوب نظریه‌های نوین اقتصاد کلان، سفته‌بازی با برهم‌زدن تعادل سرمایه‌گذاری میان‌دوره‌ای و کوتاه‌مدت، به‌واسطه انحراف جریان‌های سرمایه‌ای از کارکردهای بهره‌ور، زمینه‌ساز تشدید ریسک سیستماتیک و اختلال در سازوکار تعادل عمومی می‌شود. مدل‌های تعادل عمومی پویای تصادفی نشان می‌دهند که فعالیت‌های سفته‌بازانه، به‌ویژه در محیط‌هایی با بدهی عمومی بالا و ضعف ساختاری، می‌توانند مسیرهای بحرانی جدیدی ایجاد کنند که از طریق تغییرات ناگهانی در متغیرهای کلان، به ناپایداری پایدار (persistent disequilibrium) در سیستم اقتصادی منجر شوند.

برای نمونه، در بحران بدهی‌های دولتی منطقه یورو، تأثیر سفته‌بازی در بازار اوراق قرضه دولتی از طریق تشدید انتظارات خودتحقق و نوسانات غیرقابل‌پیش‌بینی، به افزایش نرخ بهره و کاهش اعتماد نهادی انجامید. چنین فرآیندهایی که در چارچوب نظریه‌های مالی نظیر مدل‌های نسل سوم بحران‌های ارزی تحلیل می‌شوند، تأکید دارند که سفته‌بازی می‌تواند در حضور ناکارآمدی‌های سیاست‌گذاری پولی و ارزی، منجر به پدیده‌هایی نظیر حملات ارزی و بحران‌های پولی شود. این مدل، در یک چارچوب نظری جدید تحت عنوان تعادل ناپایدار ناشی از چرخه‌های سفته‌بازانه، فرض می‌کند که سفته‌بازی نه‌تنها یک اختلال موقتی است، بلکه در بلندمدت از طریق سازوکارهای انتظاری و رفتارهای استراتژیک، به تقویت رزونانس بحران‌های مالی منجر می‌شود. این مدل با ترکیب اصول اقتصاد رفتاری و نظریه بازی‌ها، نشان می‌دهد که در غیاب تنظیم‌گری پیش‌دستانه و ابزارهای کنترلی پیشرفته، سفته‌بازی می‌تواند به یکی از عوامل کلیدی در تشدید بی‌ثباتی اقتصادی تبدیل شود.

سفته‌بازی و ناپایداری بازارهای مالی

نظریه‌های پیشرفته مالی و تحلیل‌های رفتاری بازار، با تأکید بر ناکارآمدی ساختاری سیستم‌های اقتصادی، نشان می‌دهند که سفته‌بازی به‌عنوان یک نیروی درون‌زا در تشدید ناپایداری مالی عمل می‌کند. در این چارچوب، فرضیه انتظارات عقلانی و نظریه اطلاعات نامتقارن نقش بنیادین سفته‌بازان در انحراف انتظارات بازار را برجسته می‌کنند.

این انحراف‌ها، با دست‌کاری سازوکارهای اطلاعاتی و تحریک رفتارهای غیرعقلایی سرمایه‌گذاران، به ایجاد الگوهای نوسانی غیرخطی منجر می‌شوند که از طریق تشدید ریسک سیستماتیک، سازوکارهای بازار را مختل می‌سازند. مدل‌های چندعاملی قیمت‌گذاری دارایی‌ها نیز به‌عنوان ابزارهای تحلیلی دقیق، نشان داده‌اند که سفته‌بازی از طریق تعامل میان ریسک‌های سیستماتیک و رفتارهای فرصت‌طلبانه، نه‌تنها پایداری قیمت‌گذاری را تضعیف می‌کند، بلکه بازخوردهای منفی را در ساختار تعادل بازارهای مالی القا می‌نماید. این پدیده در بحران‌های بانکی دهه‌های پایانی قرن بیستم، با بهره‌برداری از ضعف تنظیم‌گری و ناکارآمدی‌های افشای اطلاعات، به ظهور بحران‌های عمیق مالی انجامید. در این مدل، فرض بر آن است که سفته‌بازی به‌عنوان نیرویی دوگانه (Dual-Force Mechanism)، هم‌زمان در قالب شوک‌های خارجی و بازخوردهای درونی سیستم، در تشدید ناپایداری‌های مالی ایفای نقش می‌کند. تحلیل مدل‌های تعادل عمومی پویای تصادفی نشان می‌دهد که سفته‌بازی از طریق تقویت بازخوردهای انتظاراتی، به تکرار چرخه‌های ناپایدار ساختاری منجر می‌شود. این رویکرد نظری، امکان درک عمیق‌تر از پیامدهای پویایی‌های سفته‌بازانه و طراحی ابزارهای تنظیم‌گری پیشرفته برای مهار بحران‌های مالی را فراهم می‌آورد (Akerlof & Shiller, 2010).

سفته‌بازی و تأثیرات اجتماعی - اقتصادی

سفته‌بازی نه‌تنها به‌عنوان عاملی که تعادل‌های کلان اقتصادی را برهم می‌زند، بلکه به‌عنوان یک نیروی بازتوزیع نابرابری‌های اجتماعی در سطح جهانی مطرح است. در مدل‌های پیشرفته نابرابری ساختاری و نظریه‌های عدالت اقتصادی، سفته‌بازی از طریق تشدید نوسانات قیمتی در بازارهای کالایی، به‌ویژه در اقلام حساس نظیر غلات و انرژی، به ایجاد نابرابری‌های فزاینده منجر می‌شود. این پدیده با تکیه بر شوک‌های قیمتی غیرمنتظره و آسیب‌های ناشی از اطلاعات نامتقارن موجب اختلال در فرایند توزیع منابع و افزایش عدم اطمینان در دسترسی به کالاهای اساسی در کشورهای درحال توسعه می‌شود. بحران‌های ناشی از نوسانات شدید در قیمت مواد غذایی و انرژی، به‌ویژه در کشورهایی با اقتصادهای آسیب‌پذیر، نمونه‌هایی از این اثرات هستند که موجب افزایش تنش‌های اجتماعی و اقتصادی در جوامع آسیب‌پذیر می‌گردد.

در این راستا، مدل‌های تعادل عمومی پویای تصادفی و نظریه‌های اقتصاد رفتاری بیانگر آن هستند که نوسانات ایجادشده توسط سفته‌بازان نه‌تنها ریسک‌های سیستماتیک را تشدید می‌کند، بلکه نابرابری اقتصادی بین طبقات اجتماعی را تقویت می‌کند. بر اساس این مدل‌ها، دسترسی نابرابر به منابع مالی و اطلاعات موجب بهره‌برداری بخش‌های مرفه از تغییرات قیمتی می‌شود؛ درحالی‌که اقشار آسیب‌پذیر قادر به مقابله با این نوسانات نیستند. این فرایند به ایجاد اثر انتقال ثروت معکوس منجر می‌شود که در آن منابع مالی از طبقات کم‌درآمد به گروه‌های مالی قدرتمند منتقل می‌گردد، فرایندی که شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی را عمیق‌تر می‌کند (Caballero & Simsek, 2020).

جنبه‌های حقوقی و تنظیم‌گری فعالیت‌های سفته‌بازانه

جنبه‌های حقوقی و نظارتی سفته‌بازی در چارچوب نظریه‌های حقوق و اقتصاد به‌عنوان عوامل بنیادین در کنترل اثرات منفی این پدیده بر پایداری مالی و ساختارهای اقتصادی کلان شناخته می‌شوند. در این راستا، فرضیه‌های مرتبط با تنظیم‌گری تحت شرایط اطلاعات نامتقارن و تقویت نظارت با مداخلات فعال به‌طور خاص بر لزوم ایجاد ساختارهای نظارتی پیچیده تأکید دارند، که می‌توانند با مدیریت رفتارهای سفته‌بازانه، از تشدید بحران‌های مالی و کاهش نوسانات غیرعادی جلوگیری نمایند؛ به‌عنوان نمونه، در ایالات متحده، قوانین نظارتی مانند قانون دادرسی اوراق بهادار و قانون فرانک - داد به‌منظور کاهش فعالیت‌های پرخطر با ویژگی‌های ریسک سیستماتیک و تقویت نظارت‌های مالی، نقش حیاتی در جلوگیری از بحران‌های مشابه بحران مالی ۲۰۰۸ ایفا کرده‌اند.

در حوزه نظارت مالی، ابزارهایی نظیر الزامات افشای اطلاعات به‌صورت متقارن و مدیریت ریسک‌های سیستماتیک به‌ویژه در محیط‌های مالی با عدم تقارن اطلاعاتی، موجب کاهش رفتارهای هیجانی و نوسانات بازار می‌شوند. مدل‌های پیشرفته مانند مدل‌های نهادهای مالی تقویت‌شده و نظارت مستمر بر عدم تقارن اطلاعاتی، شفافیت در بازار را افزایش می‌دهند. از منظر جهانی، توافقات بازل و نظارت بر نقدینگی جهانی به‌منظور کاهش ریسک‌های سیستماتیک، با استفاده از مکانیسم‌های تنظیم‌گری مبتنی بر تعاملات پیچیده در حال توسعه هستند.

۲. تأثیر سفته‌بازی بر بحران مالی ۲۰۰۸ و تزلزل اقتصاد جهانی

بحران مالی ۲۰۰۸ به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و تأثیرگذارترین بحران‌های اقتصادی معاصر، آشکارا نشان داد که سفته‌بازی بی‌رویه و رفتارهای پرریسک مالی چگونه می‌توانند ساختارهای مالی جهانی را به لبه فروپاشی بکشانند. سفته‌بازی در بازارهای مالی، به‌ویژه در حوزه اوراق بهادار مرتبط با وام‌های مسکن، با ایجاد تقاضای کاذب و تورم مصنوعی در ارزش دارایی‌ها، نه تنها زمینه‌ساز گسترش حباب‌های مالی شد، بلکه ضعف‌های نظارتی و سیاست‌گذاری اقتصادی را به شدت برجسته کرد. تحلیل این بحران از منظر اقتصاد خرد، کلان و مالیه بین‌الملل، ابعاد مختلف سفته‌بازی؛ از جمله تقویت رفتارهای ریسک‌پذیری افراطی و سوءمدیریت نهادهای مالی را مورد توجه قرار می‌دهد.

نظارت ناکافی و توسعه نامتوازن بازارهای مالی

نظارت ناکافی بر فعالیت‌های سفته‌بازانه و عدم تعادل ساختاری در توسعه بازارهای مالی، به‌عنوان عوامل درونی در تشدید بحران‌های مالی شناخته می‌شوند. گسترش اوراق بهادار مبتنی بر دارایی‌های با ریسک‌های سیستماتیک و اطلاعات نامتقارن، به‌ویژه در چارچوب فرضیه‌های نظارت مالی ناکافی و عدم تخصیص بهینه منابع موجب تشدید ناپایداری‌های ذاتی در بازارهای مالی شد. در این فرایند، مکانیزم‌های بازخوردی و پویایی‌های غیرخطی، رفتارهای توده‌ای سرمایه‌گذاران را تقویت کردند، که منجر به حباب‌های قیمتی مصنوعی در بازار دارایی‌ها گردید. این اثرات

ناشی از نظریهٔ اثرات شبکه‌ای و تقویت‌کننده‌های غیرخطی به‌ویژه در شرایطی که حساسیت‌های ریسک سیستماتیک به‌طور متقابل با رانش‌های سفته‌بازانه تعامل دارند، به تسریع فروپاشی زنجیره‌ای نهادهای مالی منجر شد.

در چنین سناریوهایی، نیاز به ایجاد تعادل میان توسعهٔ هم‌زمان و تنظیم مؤثر بازارهای مالی و کنترل رفتارهای سفته‌بازانه به‌منظور مدیریت بحران‌های مالی بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. این تحلیل می‌تواند از منظر مدل‌های تعادل عمومی پویای تصادفی و مدل‌های فیدبک مثبت در نوسانات مالی به درک عمیق‌تری از تعاملات پیچیده میان سیاست‌های نظارتی و رفتارهای سفته‌بازانه کمک کند (Acharya & Richardson, 2009, P3).

ریسک‌پذیری افراطی و مدیریت ناکارآمد ریسک

ریسک‌پذیری افراطی که به‌طور عمده به دلیل انگیزه‌های سفته‌بازانه و تمایل به سودآوری سریع و درک ناقص از مفروضات پیچیدهٔ بازارها شکل می‌گیرد، یکی از محرک‌های اصلی بحران‌های مالی است. در این راستا، وابستگی نهادهای مالی به دارایی‌های با ریسک بالا، بدون وجود مدل‌های پیچیده و چندبُعدی پیش‌بینی ریسک که توانایی تحلیل روابط غیرخطی و پویایی‌های سیستم مالی را داشته باشند، نشان‌دهندهٔ ناکارآمدی مدیریت ریسک و ناتوانی در شبیه‌سازی اثرات بحران‌ها و رویدادهای غیرمنتظره است. این کمبود در مدل‌سازی به‌ویژه در نبود تحلیل‌های اقتصادی مبتنی بر نظریه‌های غیرخطی، مدل‌های گرافیکی و شبکه‌ای، و نیز کاربرد نادرست مفروضات توزیع نرمال در برآورد ریسک‌ها نمایان می‌شود. علاوه بر این، مدیریت ناکارآمد ریسک در مواجهه با رفتارهای سفته‌بازانه ممکن است در چارچوب‌های نظری چون تئوری بازی‌های استراتژیک، مدل‌های معادلات ساختاری یا تحلیل‌های تابع هزینه - فایده در شرایط بی‌اطمینانی شدید، به‌عنوان ناپایداری‌های سیستمیک شبیه‌سازی شوند. بنابراین ضرورت طراحی چارچوب‌های نظارتی مبتنی بر مدل‌های ریاضی پیشرفته، همچون مدل‌های بازگشتی تصادفی و شبیه‌سازی مونت‌کارلو، برای مهار پویایی‌های سفته‌بازانه و تقویت شفافیت مالی، امری اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌آید (Demirgüç-Kunt & Kane, 2002, p5).

سوءمدیریت نهادهای مالی و نقش بانک‌های بزرگ

بحران مالی ۲۰۰۸ به‌طور برجسته‌ای آشکار ساخت که ضعف‌های اساسی در رویکردهای مدیریتی نهادهای مالی، به‌ویژه بانک‌های سرمایه‌گذاری، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی تشدید ریسک سیستمیک عمل کرد. این نهادها با تکیه بر استراتژی‌های مبتنی بر سودآوری فوری و استفاده از ابزارهای مالی پیچیده و غیرشفاف، نظیر اوراق مشتقه و ساختارهای مالی خارج از ترازنامه، زمینه‌ساز گسترش رفتارهای سفته‌بازانه در بازار شدند. از آنجاکه این نهادها از مدل‌های اقتصادی پیچیده‌ای که قادر به تحلیل اثرات متقابل و دینامیک‌های پیچیدهٔ بازار بودند، بهره نمی‌بردند، به درک نادرستی از پویایی‌های ریسک و اثرات سیستماتیک آن دچار شدند. این عدم کفایت در مدل‌سازی، به‌ویژه در پیش‌بینی بحران‌های پیش‌بینی‌ناپذیر و بحران‌های سیستمی، باعث شد که نظارت‌های ناکافی و شفاف‌سازی ضعیف

بر این نهادها، ریسک‌های احتمالی به‌طور پیوسته انباشته شوند. بنابراین نیاز به طراحی سازوکارهای نظارتی مبتنی بر مدل‌های پیچیده‌تری نظیر نظریه‌های سیستمی و تحلیل‌های غیرخطی به‌طور فزاینده‌ای احساس می‌شود تا از وقوع بحران‌های مشابه در آینده جلوگیری شود (Gorton, 2010, p47).

سیاست‌های پولی و نقش سفته‌بازی در ایجاد حباب‌های مالی

سیاست‌های پولی انبساطی، به‌ویژه در بستر رفتارهای سفته‌بازانه، از عوامل کلیدی در تشدید بحران مالی ۲۰۰۸ محسوب می‌شوند. نرخ‌های بهره پایین و افزایش حجم نقدینگی، خصوصاً در بازار مسکن، زمینه‌ساز سفته‌بازی گسترده و ایجاد تقاضای کاذب و حباب‌های قیمتی شد. سفته‌بازان با اتکا بر انتظارات غیرواقع‌بینانه از رشد ارزش دارایی‌ها، به تورم افسارگسیخته در بازار مسکن دامن زدند، که نهایتاً به فروپاشی سیستم مالی منتهی گردید. جهت ممانعت از وقوع مجدد چنین بحران‌هایی، سیاست‌گذاران می‌بایست با درک عمیق‌تری از تعاملات پیچیده میان نرخ بهره، حجم نقدینگی و الگوهای رفتاری سفته‌بازانه، به طراحی و اجرای سیاست‌های پولی منسجم‌تر و هوشمندانه‌تری مبادرت ورزند. این امر مستلزم اتخاذ رویکردی جامع‌نگر و چندبعدی در تحلیل پویایی‌های بازار و پیش‌بینی پیامدهای احتمالی سیاست‌های اتخاذی است تا بتوان از بروز عدم تعادل‌های ساختاری در نظام مالی جلوگیری نمود.

اهمیت تنوع‌بخشی در دارایی‌ها و کاهش سفته‌بازی متمرکز

تنوع‌بخشی در دارایی‌ها و مدیریت رفتارهای سفته‌بازانه، دو عامل حیاتی در کاهش آسیب‌پذیری سیستم مالی هستند. بحران مالی ۲۰۰۸ نشان داد که تمرکز بیش از حد بر دارایی‌های خاص؛ مانند اوراق بهادار رهنی، می‌تواند منجر به شکنندگی شدید نهادهای مالی در برابر نوسانات بازار شود. این امر با رفتارهای سفته‌بازانه که از روان‌شناسی اقتصادی و خوش‌بینی غیرواقعی سرمایه‌گذاران نشئت می‌گیرد، تشدید می‌شود. نظریه روح حیوانی تأکید می‌کند که پیش‌بینی‌های غیرمنطقی و رفتارهای توده‌ای سرمایه‌گذاران می‌تواند به تقویت حباب‌های مالی و تسریع بحران‌ها منجر شود. برای مقابله با این معضلات، استراتژی‌های متنوع‌سازی پورتفوی، به‌ویژه در بازارهای نوظهور، همراه با بهره‌گیری از ابزارهای اقتصاد رفتاری برای مهار رفتارهای سفته‌بازانه، می‌تواند به کاهش ریسک‌های سیستمیک و افزایش ثبات مالی کمک کند. این رویکرد ترکیبی، با در نظر گرفتن هم جنبه‌های کمی و هم جنبه‌های رفتاری بازارهای مالی، می‌تواند راهکاری جامع برای ارتقای انعطاف‌پذیری سیستم مالی در برابر شوک‌های آتی ارائه دهد (Acharya & Richardson, 2009, p78).

بحران مالی ۲۰۰۸ به‌وضوح نشان داد که ناکافی بودن چارچوب‌های نظارتی، عدم شفافیت و درک ریسک‌ها، ضرورت ایجاد نظام‌های نظارتی کارآمد، اهمیت شفافیت در فعالیت‌های مالی، ایجاد مکانیزم‌های ارزیابی ریسک، سیاست‌های پولی انبساطی، تمرکز بر سودآوری کوتاه‌مدت، اعتماد عمومی، تجارب گذشته، ضرورت تطابق مستمر سیاست‌ها، تجدیدنظر در اصول نظارتی و تقویت مکانیزم‌های شفافیت و نظارت از جمله مسائل مهمی هستند که باید به آنها توجه شود.

۳. سفته‌بازی از منظر اسلام

سفته‌بازی به معنای پذیرش ریسکی فراتر از حد متعارف با هدف کسب سودی بیشتر از حدمعمول در کوتاه‌مدت است. این فعالیت به شدت وابسته به نوسانات بازار، سیاست‌های کلان اقتصادی و تحولات پیش‌بینی‌ناپذیر است. برخلاف سرمایه‌گذاری که از طریق فعالیت‌های مولد و مشارکت در تولید، ارزش اقتصادی ایجاد می‌کند، سفته‌بازی عمدتاً متکی بر نوسانات قیمتی است. از منظر فقهی، اگر این فعالیت با مفسدوی چون احتکار، تبانی، نشر اکاذیب، ایجاد تقاضای کاذب، عرضه محدود برای تأثیرگذاری بر قیمت‌ها، انجام معاملات صوری برای ایجاد روند قیمتی خاص در بازار، کنترل بخش عمده‌ای از یک بازار و محدود کردن رقابت، اختلال در شبکه توزیع کالاها برای کمیاب‌سازی و افزایش قیمت همراه باشد، ماهیتی نامشروع یافته و مشمول نهی شرعی می‌شود، اما چنانچه مبتنی بر ارائه خدمات اقتصادی بوده و در چارچوب اصول تجارت مشروع قرار گیرد، به استناد آیات جواز بیع و تجارت (بقره: ۲۷۵؛ نساء: ۲۹) از منظر شرعی پذیرفتنی خواهد بود (میرمعزی، ۱۳۸۲، ص ۵۲). تحصیل درآمد در نظام اقتصادی اسلام، مشروط به انجام عمل یا ایجاد سرمایه و ابزار تولید است (صدر، ۱۳۷۵، ص ۶۴۵۵۸۸). بنابراین تصرفاتی که فاقد نقش تولیدی بوده و صرفاً بر بهره‌گیری از تفاوت‌های عرضی و طولی قیمت‌ها مبتنی باشند؛ از جمله اجاره کردن کالا به یک ثمن و اجاره دادن همان کالا به ثمن بیشتر، و مصادیقی چون تلقی رکیان و بیع الحاضر للبادی، به لحاظ شرعی محل اشکال‌اند. در نصوص وارده چنین آمده است: «كُلُّ تَاجِرٍ فَاجِرٌ، وَكُلُّ فَاجِرٍ فِي النَّارِ، إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَأَعْطَى الْحَقَّ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۸۴)، که افادۀ حصر در این مقام، متضمن تأکید بر لزوم انطباق مکاسب با موازین عدالت اقتصادی است. معیار این عدالت، تشخیص عرف خبره و سیره عقلا است؛ به‌عنوان مثال، بالا رفتن قیمت در فرضی که کالایی به‌صورت واقعی کمیاب شود، مشروع است، و در فرضی که عمدتاً کالایی به دلیل احتکار یا... نادر شود، بالا رفتن قیمت نامشروع است. سفته‌باز با ایفای نقش واسطه در شرایط عدم تقارن عرضه و تقاضا، از طریق خرید از کسی که خریداری ندارد و فروش به کسی که فروشنده‌ای نمی‌یابد، مبادرت به کسب سود می‌نماید. این فرایند در ذات خود، به‌مثابه خدمتی اقتصادی تلقی شده و می‌تواند در تنظیم جریان تخصیص منابع در طول زمان ایفای نقش کند؛ از این‌رو مشمول قاعده لا ضرر نبوده و در چارچوب نظام اقتصادی اسلام، به‌عنوان عنصری مکمل در سازوکار بازار شناخته می‌شود. مع‌ذلک، در صورتی که این فعالیت منجر به اختلال در تعادل طبیعی بازار، ایجاد تقاضای کاذب، احتکار و تحمیل کمبود ساختگی گردد، به‌گونه‌ای که موجب افزایش غیرمتعارف قیمت‌ها فراتر از ارزش ذاتی کالاها شده و دسترسی متقاضیان حقیقی به نیازهای اساسی را مختل نماید، از منظر شرعی و اقتصادی، در زمره مصادیق مفسده اقتصادی قرار گرفته و قابلیت منع خواهد یافت (خورشید، ۱۳۷۴، ص ۳۱۹-۳۳۰؛ ترکمانی، ۱۹۸۸، ص ۱۱۵-۱۱۷).

سهام، برخلاف کالا، واجد ارزش ذاتی مستقل نبوده و ماهیت آن در چارچوب تأمین مالی بنگاه‌ها تعریف می‌شود. در غیاب بازار ثانویه، سهامدار در مواجهه با نیاز به نقدینگی، ناگزیر از واگذاری کلی بنگاه خواهد بود؛ امری که تأمین راهکار جایگزین را ضروری می‌سازد؛ از این‌رو بازار ثانویه، به‌عنوان تنها بستر ممکن، نقشی حیاتی در افزایش

نقدشوندگی، تجهیز منابع و تعدیل نوسانات قیمتی ایفا می‌کند، و در این میان، سفته‌بازی به‌مثابه عاملی تنظیم‌گر عمل می‌نماید (میرمعزی، ۱۳۸۲، ص ۵۲). سفته‌باز از طریق خرید در شرایط وفور عرضه و کاهش قیمت، و فروش در هنگام غلبه تقاضا و افزایش قیمت، ضمن مهار نوسانات شدید، به تعدیل بازار کمک می‌کند. پاداش وی که در قالب کارمزد یا سود ناشی از نوسان‌گیری محقق می‌شود، به‌مثابه جبران این نقش ارزیابی می‌گردد. باین‌حال، اگر این پاداش را صرفاً ناشی از گذر زمان تلقی کنیم، ماهیتی نزدیک به نظام ربوی خواهد یافت که از منظر مبانی فقهی، محل تأمل است. ارزش حقیقی سهام تابعی از رشد و توسعه واقعی شرکت بوده؛ درحالی‌که ارزش بازاری آن متأثر از عوامل روانی و شرایط مقطعی بازار، دستخوش نوسان می‌شود. سفته‌بازان با خرید سهام در شرایطی که ارزش بازاری کمتر از ارزش ذاتی است و فروش آن در هنگام فرونی ارزش بازاری بر ارزش حقیقی، به هم‌گرایی قیمت‌ها به سمت ارزش ذاتی کمک می‌کنند. باین‌حال، در مواردی که سفته‌بازان حرفه‌ای از طریق خرید انبوه، تقاضای کاذب ایجاد کرده و موجب شکل‌گیری انتظارات افزایشی می‌شوند، درواقع با تحمیل روند صعودی غیرواقعی، بازار را به سمت نوسانات غیرمولد سوق می‌دهند. خروج ایشان در نقطه اوج، افت ناگهانی قیمت و تحمیل زیان به دیگر سهامداران را در پی دارد که این امر از منظر شرعی و اقتصادی، فاقد مشروعیت تلقی می‌شود. ارز نیز، همچون سهام، فاقد مطلوبیت ذاتی بوده و ارزش آن در ارتباط با جریان‌های تجاری و سرمایه‌ای تعریف می‌شود. افزایش صادرات کالا و خدمات، موجب فرونی عرضه ارز و افزایش واردات، سبب گسترش تقاضای آن می‌شود. همچنین ورود سرمایه‌گذاری خارجی، در ابتدا عرضه ارز را تقویت و در بلندمدت بر تقاضای آن می‌افزاید؛ درحالی‌که سرمایه‌گذاری خارجی توسط فعالان داخلی، در مراحل اولیه موجب افزایش تقاضا و در مراحل نهایی سبب افزایش عرضه ارز خواهد شد. در این میان، واسطه‌گران و صرافان، از طریق خرید از عرضه‌کنندگان و فروش به متقاضیان، تسهیل‌کننده مبادلات ارزی‌اند، اما سفته‌بازی‌هایی که با ایجاد تقاضای کاذب، کنز و انباشت غیرمولد همراه بوده و منجر به کمبود مصنوعی، جهش شدید قیمت و افزایش ریسک فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند، فاقد تأیید شرعی و اقتصادی بوده و در زمره مصادیق مفسده اقتصادی قرار می‌گیرند (ر.ک: علینقی لنگری، ۱۳۹۰، ص ۸۸-۵۷). به‌طورکلی آن دسته از سفته‌بازی‌هایی که مبتنی بر رفتارهای غیرعقلانی بوده و موجب زیان‌های نامتقارن و اختلال در نظام تعادلی بازار می‌شوند، از منظر فقهی محل اشکال‌اند. این امر به دلیل تعارض با قواعدی همچون لاضرر، که بر نفی ضرر و زیان ناروا تأکید دارد، حرمت اکل مال به باطل، که مانع تحصیل ثروت از طرق غیرم مشروع و فاقد مبنای عقلایی است، و نفی غرر، که از معاملات مبتنی بر ابهام و نوسانات غیرقابل پیش‌بینی جلوگیری می‌کند، موجب عدم جواز چنین فعالیت‌هایی خواهد شد. تعیین مصادیق ضرر و ارائه معیارهای مشخص برای تفکیک رفتارهای سفته‌بازانه مضر از رفتارهای سفته‌بازانه مفید، ابهام اساسی در اعمال قاعده لاضرر در بازارهای مالی معاصر محسوب می‌شود. نظر به آنکه تشخیص این تمایز مستلزم ملاحظات تخصصی و تحلیل‌های عمیق اقتصادی است، شارع مقدس تعیین آن را به عرف عقلایی واگذار کرده است؛ ازجمله شاخص‌هایی

که می‌توان در این راستا به کار گرفت، عبارت‌اند از: اختلال در ثبات بازار، ایجاد حباب‌های قیمتی، تشدید نابرابری اقتصادی، کاهش شفافیت اطلاعاتی، افزایش ریسک سیستماتیک، برهم‌زدن مکانیسم‌های طبیعی قیمت‌گذاری، شدت گرفتن نوسانات غیرمعارف قیمت، حجم معاملات غیرعادی، افزایش بی‌رویه سهم سفته‌بازان در بازار و کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران. اتخاذ این معیارها در تحلیل‌های فقهی و اقتصادی، زمینه را برای تفکیک میان سفته‌بازی مشروع و مخرب فراهم می‌سازد. قاعده «حرمت اکل مال به باطل» که در آیه ۲۹ سوره نساء به آن اشاره شده، تأکید دارد که مال نباید بدون انجام عملی مشروع یا ایجاد ارزش افزوده، از شخصی به شخص دیگر منتقل گردد، اما معاملات و فعالیت‌هایی که در آنها عمل بازاریابی، تسهیل معاملات یا ایجاد ارتباط میان خریدار و فروشنده در جریان باشد، از شمول این منع خارج است و مشروع است. در این‌گونه موارد، شخصی که با استفاده از تخصص خود (مانند مشاوره، تحلیل بازار و ارائه راهکارها) به دیگران کمک می‌کند تا معاملات سودمند انجام دهند، می‌تواند در سود حاصل از این معاملات سهیم گردد. درحقیقت، آنچه که در این‌گونه فعالیت‌ها حائز اهمیت است، ایجاد ارزش و ارائه خدمت است؛ به‌عنوان مثال، در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که ابراهیم کرخی از ایشان می‌پرسد که اگر مردی تعدادی درخت خرما بخرد و قبل از پرداخت ثمن آنها را بفروشد، آیا این عمل جایز است؟ امام (ع) فرمودند: «اگر پرداخت ثمن را ضمانت کرده باشد، جایز است» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۶۴). به نظر می‌رسد که در این مثال، فردی که نقش واسطه را ایفا کرده است، برخی از خدمات مذکور را ارائه داده است.

غیر به‌معنای فریب، ابهام و پذیرش ریسک‌های غیرمعارف در مبادلات اقتصادی است که در آنها یکی از طرفین یا هر دو طرف از موضوع معامله به‌طور کامل اطلاع نداشته و در نتیجه احتمال وقوع ضرر برای یکی از طرفین وجود دارد. معامله غرری به‌واسطه ایجاد عدم اطمینان و امکان بروز نزاع و مشکلات حقوقی، از نظر فقهی باطل است. تشخیص غرر به‌طور عمده بر عهده عرف است، به‌طوری‌که اگر علم به موضوع معامله، مقدار، جنس، وصف و قدرت تسلیم عوضین به میزان مطلوب عرف فراهم شود، معامله از شمول غرر خارج خواهد بود، اما در صورتی که دست‌کاری در قیمت‌ها، ارائه اطلاعات غلط و تبلیغات فریبنده به قصد سوءاستفاده از شرایط معامله صورت گیرد، این اقدامات موجب ایجاد غرر در معامله شده و به آن مشروعیت نمی‌بخشد. به‌عبارت دیگر، میزان اطلاعات و اطمینان طرفین از شرایط معامله، عامل تمایز میان سفته‌بازی مشروع و غرری است. در سفته‌بازی سالم، اطلاعات کافی و دقیق مبنای تصمیم‌گیری‌ها قرار می‌گیرد؛ درحالی‌که در سفته‌بازی‌هایی که با غرر همراه‌اند، عدم شفافیت و اطلاعات ناصحیح موجب بروز ریسک‌های غیرقابل پیش‌بینی می‌شود که موجب فساد قرارداد خواهد گردید (قدرتی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳-۱۲۶؛ میرمعزی، ۱۳۸۲). دست‌کاری در قیمت‌ها که همراه با اطلاعات کاذب، اخفای حقیقت یا معرفی صفت کمال غیرواقعی از کالا یا خدمات باشد، می‌تواند در زمره تدلیس قرار گیرد، که این عمل از منظر فقهی باطل و موجب فساد معامله خواهد شد (شهید ثانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۵).

قاعده نفی غرر که بر وجوب اجتناب از معاملات مبهم و غیرشفاف تأکید دارد، هرگونه سفته‌بازی مبتنی بر ریسک‌های غیرمعارف و اطلاعات نامتقارن را غیرمشروع می‌داند. ابزارهای مالی مشتقه، اوراق بهادار مبتنی بر دارایی‌های پرریسک، قراردادهای آتی بدون قصد تسلیم واقعی، اوراق قرضه ربوی و صندوق‌های سفته‌بازانه که مبتنی بر حدس و گمان و فاقد ارتباط مستقیم با فعالیت‌های مولد اقتصادی هستند، در صورتی که عرف، ماهیت غرری آنها را احراز کند، از منظر فقهی نامعتبر و غیرمشروع خواهند بود.

قاعده تحریم احتکار که در راستای رفع انحصار و تأمین مصالح عمومی در تأمین نیازهای اساسی جامعه تشریع گردیده (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۲، ص ۴۸۰-۴۸۱)، می‌تواند به‌مثابه مبنای فقهی در تقنین و تنظیم‌گری بازارهای مالی تلقی شود. از این رهگذر، هرگونه تصرف معاملی که منجر به استیلای انحصاری بر دارایی‌ها و اختلال در نظام طبیعی قیمت‌گذاری گردد، در صورتی که عرف آن را از مصادیق احتکار محسوب نماید، مشمول نهی شرعی و مستلزم مداخلات نظارتی خواهد بود. مع‌ذلک، عقود نظیر سلف که فاقد ماهیت احتکاری باشند، جائزند (میرمعزی، ۱۳۸۲، ص ۵۸)؛ همچنان که احتکاذ اموال در شرایط وفور و اشباع بازار، از شمول نهی خارج است؛ چراکه علل و مفسد مترتبه بر احتکار در آن محقق نمی‌گردد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۲۴). در این دسته از سفته‌بازی‌ها، معمولاً کالا مدتی نزد سفته‌بازان باقی می‌ماند و مصرف‌کنندگان نیازمند را محروم می‌سازد؛ به‌عنوان مثال، امروزه حدود سه میلیون خانه خالی به علت سفته‌بازی وجود دارد و هریک از این خانه‌ها برای مدت‌های طولانی و علی‌رغم نیاز شدید جامعه به مسکن، به نیازمندان تحویل نمی‌شود.

۴. راهکارهای خروج از بحران‌های اقتصادی از منظر اسلام

فقه اسلامی با ارائه مدل‌های جایگزین، راهکارهایی را برای هدایت جریان‌های سرمایه به سمت کارکردهای بهره‌ور، سوق قیمت‌ها به ارزش‌های ذاتی، کاهش نوسانات بازار، ثبات اقتصادی، کاهش ریسک سیستماتیک، تعادل پایدار، تنظیم‌گری پیش‌دستانه، اطلاعات متقارن، کاهش رفتارهای غیرعقلایی، کاهش نابرابری، کاهش نااطمینانی، کاهش بهره‌برداری از تغییرات قیمت ساختگی، کاهش فعالیت‌های غیرمولد پرخطر، کاهش رفتارهای هیجانی، کاهش تقاضاهای کاذب، کاهش دارایی‌های سمی، کاهش انتظارات غیرواقع‌بینانه از رشد ارزش دارایی‌ها، تربیت اخلاقی و کاهش تمایل به سودآوری سریع و بدون ایجاد ارزش افزوده پیشنهاد می‌دهد. مدل‌هایی نظیر عقود مشارکتی، ریسک را به‌صورت عادلانه میان طرفین تقسیم کرده و از تمرکز ثروت و انباشت ریسک‌های سیستماتیک جلوگیری می‌کنند. ابزارهای مالی اسلامی با ایجاد شفافیت در معاملات و جلوگیری از سوءاستفاده‌های مبتنی بر اطلاعات نامتقارن، بستری برای رشد پایدار فراهم می‌کنند. عدالت توزیعی به‌عنوان یکی از قواعد بنیادین شریعت، مبنای مهمی برای طراحی سیاست‌های مالیاتی و نظارتی است. مالیات بر سودهای حاصل از سفته‌بازی و اختصاص منابع به بخش‌های مولد

اقتصادی، می‌تواند به کاهش نابرابری و توزیع عادلانه ثروت کمک کند. التزام به تعهدات و عقود می‌تواند ابزار قدرتمندی برای کنترل رفتارهای سفته‌بازانه فراهم آورد و سفته‌بازان را به دلیل عدم تعهد به ایجاد ارزش افزودهٔ واقعی، ناقض اصول قراردادهای و تعهدات اسلامی بشناساند. فقه اسلامی با ارائهٔ چارچوبی جامع و مبتنی بر اصول اخلاقی و حقوقی، به دنبال تحقق پایداری، شفافیت و عدالت اقتصادی در سطح کلان است و ظرفیت آن را دارد که اقتصاد را از مخاطرات ناشی از سفته‌بازی و بحران‌های مرتبط مصون سازد (ر.ک: خطیبی، ۱۴۰۲، ص ۸۷-۱۱۰).

حرمت ربا

ربا در فقه اسلامی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مفسدات اقتصادی شناخته می‌شود و حرمت آن به‌صراحت در قرآن و سنت بیان شده است (بقره: ۲۷۵-۲۷۶ و ۲۷۸-۲۷۹؛ آل عمران: ۱۳۰-۱۳۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۱۱۷). ربا سبب ظلم و استثمار، ایجاد نابرابری، اخلال در نظام اقتصادی، عدم تحمل ریسک، عدم تعهد به ایجاد ارزش افزودهٔ واقعی، کاهش انگیزهٔ سرمایه‌گذاری مولد، تضعیف اخلاق کاری و روحیهٔ کارآفرینی، سوق دادن افراد به کسب درآمد بدون زحمت، تضییع حقوق دیگران، رکود اقتصادی، فقر و بیکاری، بحران‌های مالی، فساد اخلاقی، کاهش همبستگی اجتماعی و تقلیل روابط انسانی به روابط صرفاً مالی است (ر.ک: حکیمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۶۱۱ ۶۱۷ ۶۱۸ ۶۱۹ و ۴۰۴). در صورت پذیرش این نظریه که مستند حرمت ربا در شریعت اسلام، علل و مناطاتی همچون ایجاد فساد، ظلم، از دست رفتن ثروت، کاهش بهره‌وری و تولید، رها کردن قرض و کارهای نیک و گرایش به سودجویی است، می‌توان این فرضیه را مطرح نمود که هر فعالیت اقتصادی که واجد این خصائص و آثار مذموم باشد، از نظر شرعی نیز غیرقابل قبول و منهی‌عنه خواهد بود؛ هرچند که به‌صورت مستقیم، مصداق ربای مصطلح نباشد. اعمال این قیاس و تسری حکم ربا به مصادیق مستحدث فعالیت‌های اقتصادی، نه‌تنها موجب حفظ سلامت نظام اقتصادی اسلامی می‌گردد، بلکه زمینه‌های بروز بحران‌های مالی و اقتصادی را نیز تا حد زیادی متفی می‌سازد؛ زیرا اسلام، با حذف ربا و فعالیت‌های مشابه آن (مانند سفته‌بازی‌های محل)، و جایگزینی آنها با مدل‌های مشارکتی (همچون مضاربه، مشارکت، مزارعه و...)، درصدد هدایت منابع به‌سوی فعالیت‌های تولیدی و ایجاد ارزش افزوده واقعی است. علاوه بر این، با ممنوعیت تجمع ثروت در دست گروه‌های غیرمولد و محتکر، و با ارائهٔ یک چارچوب متوازن که در آن سودآوری و تولید ارزش واقعی به‌صورت توأمان تحقق یابد، اقتصاد اسلامی نه‌تنها از پایداری بیشتری برخوردار می‌گردد، بلکه از بحران‌های مصنوعی و مبتنی بر سفته‌بازی و ربا نیز مصون می‌ماند و یک الگوی متعادل و متکامل را به جوامع بشری عرضه می‌نماید (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۱۰-۱۲؛ صمصامی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳-۱۴۰).

عدالت در توزیع ثروت

اسلام با تأکید بر عدالت در توزیع ثروت و پیشگیری از تمرکز آن در دست گروه‌های نامولد، چارچوبی اقتصادی ارائه می‌دهد که می‌تواند سفته‌بازی را به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی بی‌ثباتی و بحران‌های مالی محدود سازد.

آیه شریفه «كَى لَا يَكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷) به جلوگیری از انحصار ثروت در دست گروهی خاص، تمرکز قدرت اقتصادی نزد ثروتمندان غیرمولد، شکل‌گیری طبقات اقتصادی نابرابر، گردش ثروت تنها میان افراد غنی و محرومیت اقشار ضعیف از منابع اقتصادی اشاره دارد و این اصل، مبنای سیاست‌هایی قرار می‌گیرد که از تمرکز دارایی‌ها در دست سفته‌بازان جلوگیری می‌کند.

از سوی دیگر، آیه شریفه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء: ۵) بر اهمیت مدیریت صحیح منابع مالی و عدم واگذاری آن به افراد ناکارآمد تأکید دارد. آیه بر حفظ اموال به‌عنوان قوام جامعه تأکید دارد و نشان می‌دهد که مدیریت اموال یک مسئولیت اجتماعی است. در فقه اسلامی، سفیه به کسی گفته می‌شود که فاقد تدبیر و عقلانیت و توانایی لازم در حفظ و اداره اموال خود است. به همین دلیل، شرع مقدس، سفیه را از تصرف در اموال خود منع کرده و اداره اموال او را به ولی یا قیم واگذار می‌کند. سفته‌بازی، نوعی فعالیت اقتصادی است که نیازمند دانش، مهارت و تحلیل است. بسیاری از سفته‌بازان، با استفاده از تحلیل‌های دقیق و اطلاعات به‌روز، اقدام به خرید و فروش سهام یا سایر دارایی‌ها می‌کنند. هدف اصلی سفته‌بازان، کسب سود از طریق نوسانات قیمت است. این هدف، لزوماً با عقلانیت در تصرف اموال منافات ندارد. در عین حال، برخی از سفته‌بازان، ممکن است به دلیل عدم آگاهی کافی، اتخاذ تصمیمات هیجانی، یا استفاده از روش‌های غیرقانونی، در تصرف اموال خود، فاقد تدبیر و عقلانیت لازم باشند. در این صورت، می‌توان آنها را مصداق سفها دانست. همچنین اگر ثابت شود که سفته‌باز با انجام معاملاتی صوری، ایجاد تلاطم در بازار، یا سوءاستفاده از اطلاعات نهانی، به دنبال کسب سود نامشروع است و به دیگران ضرر می‌رساند، می‌توان گفت که او عقلانیت مدنظر شریعت را رعایت نکرده است.

ابزارهایی فقهی چون زکات، نه تنها در راستای توزیع عادلانه ثروت گام برمی‌دارد، بلکه از انباشت ثروت نزد سفته‌بازان جلوگیری کرده و سرمایه‌ها را به‌سوی فعالیت‌های مولد سوق می‌دهد. زکات، با اخذ درصد معین از دارایی‌های مازاد و تخصیص آن به قشرهای پایین درآمدی، موجب تحریک تقاضای مؤثر و افزایش بهره‌وری نهایی مصرف می‌گردد. این مکانیزم نه تنها نابرابری اقتصادی را کاهش می‌دهد، بلکه با افزایش تقاضا در بخش‌های تولیدی، به رشد پایدار اقتصادی یاری می‌رساند و از بروز بحران‌های مالی ناشی از سفته‌بازی جلوگیری می‌کند. به عبارت دیگر، زکات به‌عنوان ابزاری مالی در نظام اسلامی، با محدود ساختن تمرکز ثروت در دست گروه‌های غیرمولد، به‌طور سیستماتیک سفته‌بازی را تحدید می‌سازد.

احکامی فقهی مانند ممنوعیت تلقی رِبْكَان، بیع الحاضر للبادی، نجش (ایجاد تقاضای کاذب برای افزایش قیمت‌ها)، و غش (ارائه اطلاعات نادرست برای افزایش قیمت)، که واسطه‌گری‌های مضر و ناعادلانه را منع می‌کند، به مقابله با رفتارهای سفته‌بازانه می‌پردازد. در چارچوب نظریه‌های کلان اقتصادی، تمرکز ثروت نزد سفته‌بازان نه تنها

باعث کاهش تقاضای مؤثر می‌شود، بلکه از بهره‌وری نهایی سرمایه نیز می‌کاهد و زمینه‌ساز بحران‌های اقتصادی و مالی می‌گردد. در مقابل، فقه اسلامی با ابزارهایی مانند مشارکت در تولید، مالکیت زمین بر اساس بهره‌وری و مزد بر اساس بهره‌وری، مدل‌هایی را ارائه می‌دهد که از انحراف منابع به سمت فعالیت‌های غیرمولد جلوگیری می‌کند. عدالت توزیعی را تضمین کرده و رشد اقتصادی پایدار را ممکن می‌سازد و به‌واسطه تقویت عدالت اقتصادی و افزایش بهره‌وری، نظامی پایدار و مقاوم در برابر شوک‌های مالی فراهم می‌آورد (ر.ک: صدر، ۱۳۷۵).

مدیریت بهینه منابع

آیه ۱۱۲ سوره نحل به داستان یک شهر امن و آباد اشاره می‌کند که نعمت‌های خداوند را نادیده گرفت و در نتیجه به گرسنگی و ترس دچار شد. این آیه به خوبی بیان می‌کند که کفران نعمت نه تنها به معنای عدم شکرگزاری است، بلکه به سوءمدیریت منابع و عدم استفاده بهینه از آنها نیز مربوط می‌شود. این شهر با وجود فراوانی نعمت، به دلیل عدم برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح، به اسراف و سوءاستفاده از منابع دچار شد. در نهایت، این بی‌توجهی به نعمت‌ها و عدم شفافیت در تخصیص آنها، به بحران‌های اقتصادی و اجتماعی منجر شد. بنابراین آیه شریفه نشان می‌دهد که مدیریت بهینه منابع و قدردانی از نعمت‌های الهی، برای دستیابی به ثبات و امنیت اقتصادی ضروری است و ناسپاسی به این نعمت‌ها می‌تواند عواقب وخیمی به همراه داشته باشد. آیه ۱۱۲ سوره نحل، همان‌طور که قبلاً اشاره شد، از شهری می‌گوید که به دلیل ناسپاسی و عدم مدیریت بهینه منابع، از امنیت و رفاه به گرسنگی و ترس دچار شد. این آیه را می‌توان به عنوان هشدار برای جوامعی دانست که به جای سرمایه‌گذاری در تولید و ایجاد ارزش واقعی، به فعالیت‌های سوداگرانه و سفته‌بازی روی می‌آورند. برخی انواع سفته‌بازی نیز، به نوعی، مصداق بارز عدم مدیریت بهینه منابع است؛ چراکه در این فعالیت، سرمایه و امکانات موجود به جای آنکه در راستای تولید کالا و خدمات و ایجاد اشتغال مولد به کار گرفته شوند، صرف خرید و فروش‌های مکرر و کسب سودهای کوتاه‌مدت از نوسانات بازار می‌شوند و افراد به جای خلق ارزش، صرفاً به دنبال بهره‌برداری از شرایط موجود و کسب سودهای بادآورده هستند. وقتی جامعه‌ای به سفته‌بازی روی می‌آورد، درواقع از مسیر توسعه پایدار و متوازن دور می‌شود، منابع به جای آنکه در بخش‌های مولد اقتصاد سرمایه‌گذاری شوند، در بخش‌های غیرمولد و سوداگرانه انباشته شده و این امر، منجر به کاهش تولید، افزایش تورم و گسترش نابرابری‌های اجتماعی می‌شود. در چنین شرایطی، جامعه از مسیر شکرگزاری و قدردانی از نعمت‌های الهی منحرف شده و به سمت حرص و طمع بیشتر سوق پیدا می‌کند. در نتیجه، همانند شهر مذکور در آیه ۱۱۲ سوره نحل، جامعه‌ای که به سفته‌بازی روی می‌آورد، در نهایت با عواقب ناگواری همچون گرسنگی (کاهش تولید و افزایش قیمت‌ها) و ترس (ناامنی اقتصادی و اجتماعی) مواجه خواهد شد. بنابراین می‌توان از این آیه استنباط کرد که دوری از سفته‌بازی و تمرکز بر تولید و مدیریت صحیح منابع، از عوامل مهم در دستیابی به ثبات اقتصادی و جلوگیری از بحران‌های ناشی از سوءمدیریت و ناسپاسی است (ر.ک: میرمعزی و قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۱۵-۲۳).

نظارت مستمر و مدیریت کارآمد

آیه شریفه «اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ» (یوسف: ۵۵) بر ضرورت نظارت مؤثر و سپردن مدیریت به افراد شایسته تأکید می‌کند. این نظارت نه تنها بر مدیریت منابع طبیعی و مالی تأثیرگذار است، بلکه نقش کلیدی در کنترل رفتارهای اقتصادی مخرب مانند سفته‌بازی دارد که به دلیل اتکا به نوسانات غیرقابل پیش‌بینی و رفتارهای سودجویانه، باعث بی‌ثباتی و بحران‌های مالی می‌شود.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام با تأکید بلیغ بر ضرورت استقرار عدل و شفافیت در نظام بازار و لزوم مراقبت دائمی و نظارت مؤثر بر جریان دادوستد، همواره در پی پیشگیری از بروز فساد اقتصادی و اخلال در توازن بازار بوده‌اند. توصیه حکیمانه ایشان در منشور حکومتی (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) مبنی بر اینکه «وَلْيَكُنِ الْبَيْعُ بَعًّا سَمَحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ، لَا يَخْخَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ الْبَائِعِ وَالْمُتَبَاعِ»؛ باید خرید و فروش آسان و با معیارهای عادلانه باشد، به گونه‌ای که حقوق هیچ‌یک از فروشنده و خریدار تضییع نگردد، به روشنی بیانگر اهمیت نظارت مستمر و پیگیر و ممانعت از هرگونه بهره‌جویی نامشروع در معاملات است. این رهنمود، به‌ویژه در مواجهه با رفتارهای سوداگرانه و سفته‌بازانه‌ای که بر پایه اطلاعات ناصحیح و نامتقارن و پیش‌بینی‌های غیرعلمی استوارند، بسیار کارآمد و راهگشا است. با استقرار نظام نظارتی فعال و کارآمد در بازارها و تضمین رعایت موازین شرعی و اقتصادی، می‌توان از تمرکز ناموجه ثروت در دست افراد سودجو که در پی کسب منافع بادآورده از طریق سفته‌بازی هستند، جلوگیری نمود و منابع جامعه را به سمت فعالیت‌های مولد و ارزش‌آفرین هدایت کرد.

در تاریخ تمدن اسلامی، نهاد «حِسبه» به‌عنوان نمونه‌ای بارز از نظارت مستمر، قانون‌مداری و مدیریت کارآمد، نقشی بی‌بدیل در جلوگیری از بروز فساد اقتصادی و تقلب در بازارهای ایفا نموده است. «مُحْتَسِبَان» که به‌منزله ناظران رسمی و امین حکومت در امور بازرگانی و اقتصادی بودند، مسئولیت خطیر نظارت دقیق بر تعیین عادلانه قیمت‌ها، تضمین کیفیت کالاها و خدمات ارائه‌شده و رعایت انصاف و عدالت در تمامی معاملات را بر عهده داشتند. این نظارت مداوم و هوشمندانه، به نحو چشمگیری از بروز رفتارهای غیرقانونی و غیراخلاقی همچون تقلب، احتکار و گران‌فروشی جلوگیری می‌کرد. این اقدامات پیشگیرانه، نقش مهمی در ثبات اقتصادی ایفا نموده و از ایجاد نوسانات شدید و غیرقابل کنترل در بازار و بروز بحران‌های مالی و اجتماعی جلوگیری می‌نمود (باقری و صادقی، ۱۳۹۲، ص ۷۸-۱۰۳). مقایسه این رویکرد پیشگیرانه با تجربه بحران مالی سال ۲۰۰۸ میلادی، ابعاد اهمیت نظارت را آشکار می‌سازد. یکی از عوامل اصلی تعمیق بحران مذکور، وجود کاستی‌های جدی در نهادهای نظارتی و فقدان ابزارهای کارآمد و اثربخش برای ارزیابی دقیق ریسک‌ها و تضمین شفافیت مالی بود، که متأسفانه زمینه را برای فعالیت‌های سوداگرانه و سفته‌بازی‌های افسارگسیخته و انباشت دارایی‌های پرریسک فراهم آورد. فقدان نظارت مناسب و کارآمد در آن مقطع زمانی، منجر به ورشکستگی و اضمحلال بسیاری از نهادهای مالی معتبر گردید و تبعات جبران‌ناپذیری بر اقتصاد جهانی تحمیل نمود.

شفافیت و صداقت در تجارت

با توجه به مبانی اسلام، شفافیت اقتصادی یک ضرورت برای ایجاد یک نظام اقتصادی سالم، عادلانه و پایدار است. این امر از طریق احکام و قواعد فقهی مختلف و با تأکید بر امانت‌داری، صداقت و عدم فریب در معاملات محقق می‌شود. احکام تکلیفی ناظر بر شفافیت اقتصادی شامل واجباتی چون ذکر عیوب ظاهری و باطنی کالا در معاملات است؛ به‌عنوان مثال، اگر کسی بخواهد کالایی را بفروشد که عیبی دارد، واجب است آن عیب را به مشتری بگوید و پنهان نکند؛ زیرا این عمل از علائم مؤمن بودن است (شهید ثانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۹۰). عدم ذکر عیب کالا، به‌منزله کتمان اطلاعات است و با اصل شفافیت در تضاد است. از طرفی، محرمانه‌ی نظیر دروغ (قولی و عملی)، غش در معاملات، تدلیس و احتکار نیز به شدت نهی شده‌اند. دروغ قولی؛ مانند «نجش» (تبانی با فروشنده برای اعلام قیمت بالاتر بدون قصد خرید)، سبب می‌شود خریدار از اطلاعات قابل اتکا محروم شود (صدر، ۱۳۸۷، ص ۱۷۷). این عمل، با افزایش قیمت کاذب، باعث گمراهی خریداران می‌شود. غش در معاملات؛ مانند تقلب در معامله با پول‌های تقلبی یا فروش کالای تقلبی به‌جای واقعی نیز سبب عدم شفافیت می‌شود. پیامبر ﷺ به شدت از غش در معامله نهی فرموده‌اند و آن را خیانت و فریب مسلمانان دانسته‌اند (دادفر و سیفی، ۱۳۹۹). این عمل نه‌تنها اطلاعات را مخدوش می‌کند، بلکه اعتماد را نیز از بین می‌برد. تدلیس (پنهان کردن عیب یا وانمود نمودن حسن واهی در کالا) و احتکار (انبار کردن مواد غذایی مورد نیاز برای گران شدن) نیز از دیگر مصادیق رفتارهای منع‌شده هستند، که با مخدوش کردن اطلاعات، مانع از شفافیت اقتصادی می‌شوند (شهید ثانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۵۰۰). تدلیس، فریب دادن مشتری از طریق نشان دادن محاسن غیرواقعی کالا است، و احتکار با ایجاد کمبود مصنوعی، باعث افزایش قیمت‌ها و ایجاد نوسانات شدید در بازار می‌شود. این اعمال علاوه بر آسیب رساندن به اقتصاد، باعث ایجاد بی‌اعتمادی در جامعه می‌شوند. همچنین در فقه اسلامی، قواعدی وجود دارد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر شفافیت اقتصادی تأثیر می‌گذارند. این قواعد فقهی، با افزایش خوش‌بینی و اعتماد بین دست‌اندرکاران بازار، به تسهیل و شفافیت معاملات کمک کرده و از بروز بحران‌های اقتصادی جلوگیری می‌کنند؛ زیرا مانع از شکل‌گیری قیمت‌های صوری و اطلاعات نادرست می‌شوند. در نهایت، عمل به این احکام و قواعد فقهی، نه‌تنها به ایجاد شفافیت در معاملات کمک می‌کند، بلکه باعث ایجاد اعتماد و اطمینان در جامعه می‌شود. این اعتماد، به‌نوبه خود، باعث افزایش سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی می‌شود و از بروز بحران‌های اقتصادی جلوگیری می‌کند.

نتیجه‌گیری

سفته‌بازی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی در نظام‌های مالی و اقتصادی مدرن شناخته شده است. بررسی تاریخی بحران‌های مالی از قرن ۱۷ تا بحران ۲۰۰۸ نشان می‌دهد که رفتارهای سفته‌بازانه همواره نقشی محوری در شکل‌گیری و تشدید این بحران‌ها داشته‌اند.

در بحران مالی ۲۰۰۸، استفاده از ابزارهای مالی پیچیده مانند مشتقات و اوراق بهادارسازی دارایی‌های پرریسک، همراه با ضعف نظارتی و عدم شفافیت، منجر به انباشت ریسک‌های سیستمیک و در نهایت فروپاشی بازارهای مالی شد. این بحران نمونه بارزی از پدیده اخلاق‌زدایی مالی است که در آن، سودجویی کوتاه‌مدت بر اصول اخلاقی و پایداری بلندمدت غلبه می‌کند.

در مقابل، نظام مالی اسلامی با تکیه بر اصولی چون عدالت، شفافیت و منع ربا، راهکارهایی برای مقابله با رفتارهای سفته‌بازانه و پیشگیری از بحران‌های مالی ارائه می‌دهد. ابزارهایی مانند عقود مشارکتی، با ایجاد پیوند میان بخش‌های واقعی و مالی اقتصاد، ریسک‌ها را به صورت منصفانه توزیع کرده و پایداری ساختارهای مالی را تقویت می‌کنند.

قواعد فقهی اسلامی مانند منع غرر، لاضرر و سد الذرایع، چارچوبی اخلاقی و قانونی برای جلوگیری از فعالیت‌های مخرب اقتصادی فراهم می‌آورند؛ همچنین آیات قرآنی و احادیث با تأکید بر عدالت اقتصادی و منع سوءاستفاده از منابع مالی، مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی پایدار ارائه می‌دهند.

در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که بازگشت به اصول اخلاقی و عدالت‌محور در نظام‌های مالی، همراه با نظارت دقیق و شفافیت، می‌تواند راهکاری مؤثر برای پیشگیری از بحران‌های مالی آینده و ایجاد ثبات اقتصادی پایدار باشد. نظام مالی اسلامی، با ارائه مدلی اخلاق‌محور و متوازن، می‌تواند الگویی کارآمد برای اصلاح ساختارهای مالی جهانی و مقابله با معضلات اقتصادی معاصر باشد.

منابع

- باقری، محمود و صادقی، محمد (۱۳۹۲). ابزار حقوق اقتصادی اسلامی در نظارت و کنترل بازارهای رقابت‌پذیر و رقابت‌ناپذیر. *دانشنامه حقوق اقتصادی*، ۴(۲۰)، ۷۸-۱۰۳.
- ترکمانی، عدنان خالد (۱۹۸۸). *السیاسة التقنیة و المصرفية فی الاسلام*. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت.
- حکیمی، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۵). *الحیة*. ترجمه احمد آرام. قم: دلیل‌ما.
- خطیبی، مهدی (۱۴۰۲). بررسی سفته‌بازی با رویکرد فقه حکومتی در راستای تحقق حکمرانی اقتصادی. *حکومت اسلامی*، ۲۸(۴)، ۸۷-۱۱۰.
- خورشید، احمد (۱۳۷۴). *مطالعاتی در اقتصاد اسلامی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس.
- دادفر، مریم و سیفی، فاطمه (۱۳۹۹). غش در معامله از دیدگاه فقه. *فقه و حقوق نوین*، ۱(۱)، ۲-۱۳.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۰). *ماهیت و علل بحران مالی ۲۰۰۸م و تأثیر آن بر اقتصاد ایران*. تهران: معاونت پژوهش‌های اقتصادی.
- شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۲ق). *شرح لمعه*. قم: دار احیاء التراث.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۷). *اقتصادنا*. قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- صمصامی، حسین (۱۳۸۸). ربا و مشکلات اقتصاد ایران. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱(۱)، ۱۱۳-۱۴۰.
- علینقی لنگری، محمدامین (۱۳۹۰). *تحقیقات مالی اسلامی*. مدیریت اسلامی، ۱(۱)، ۸۵۷.
- قدرتی، علیرضا (۱۳۸۵). بورس بازی از دیدگاه فقه اسلامی. *جامعه حسابداران رسمی*، ۳(۱۰ و ۱۱)، ۹۴-۱۲۹.
- لوی، جعفر (۱۴۰۲). بازپژوهی مفهوم امور حسبه و متصدی آن در نگره فقه امامی. *حکومت اسلامی*، ۲۸(۲)، ۳۳-۱۰۲.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۰). ششمین فلسفه تحریم ربا و بحران‌های اقتصادی. *درس‌هایی از مکتب اسلام*، ۳۱(۵)، ۱۰-۱۲ و ۳۷-۳۸.
- میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۸۷). *ریشه‌های بحران مالی آمریکا*. تهران: همایش بررسی بحران اقتصادی غرب.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۲). بورس بازی از دیدگاه فقه. *اقتصاد اسلامی*، ۳(۹)، ۴۵۱-۶۴.
- میرمعزی، سیدحسین و قائمی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۹۰). نقدی بر تعریف علم اقتصاد از منظر مبانی اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۴۳)، ۵-۲۶.
- نجفی، محمدحسین (۱۴۳۰ق). *جواهرالکلام*. قم: دار احیاء التراث العربی.
- وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۸۷). *نگاهی به روند بحران مالی بین‌المللی*. تهران: همایش بررسی بحران اقتصادی غرب.
- Acharya, V. V. & Richardson, M. (2009). Causes of the Financial Crisis. *Critical Review*, 21(2), 195-210
- Akerlof, G. A. & Shiller, R. J. (2010). *Animal Spirits: How Human Psychology Drives the Economy and Why It Matters for Global Capitalism*. Princeton University Press.
- Baker, S. R. & Wurgler, J. (2020). Investor Sentiment in the Stock Market. *Journal of Economic Perspectives*, 21(2), 129-151
- Caballero, R. J. & Simsek, A. (2020). *A risk-centric model of demand recessions and speculation* (NBER Working Paper No. 23614). National Bureau of Economic Research. <https://www.nber.org/papers/w23614>.
- Demirguc-Kunt, A. & Kane, E. J. (2002). Deposit Insurance Around the Globe: Where Does It Work? *Journal of Economic Perspectives*, 16(2), 175-195.
- Gao, Z., Sockin, M. & Xiong, W. (2020). Economic consequences of housing speculation. *Review of Financial Studies*, 33(11), 5248-5287. <https://doi.org/10.1093/rfs/hhaa030>.

- Gorton, G. (2010). *Slapped by the Invisible Hand: The Panic of 2007*. Oxford University Press.
- Kaldor, N. (1939). Speculation and economic stability. *The Review of Economic Studies*, 7(1), 1-27.
- Kindleberger, C. P. & Aliber, R. Z. (2005). *Manias, panics, and crashes: A history of financial crises*. London: Palgrave Macmillan.
- Reinhart, Carmen M. & Rogoff, Kenneth S. (2009). *This Time is Different: Eight Centuries of Financial Folly*. Princeton: Princeton University Press.
- Caballero, Ricardo J. & Simsek, Alp (2017). A Risk-centric Model of Demand Recessions and Speculation, National Bureau of Economic Research, Working Papers 23614.
- Shiller, bro J. (2015). The Subprime Solution: How Today's Global Financial Crisis Happened, and What to Do About It. *Austrian Economics*, 12(1), 81-87.
- Simsek, Alp (2020). The Macroeconomics of Financial Speculation. *National Bureau of Economic Research*, Working Paper 28000.
- Yeon-Jin Sim & Jeongmin Kim & Jaehyeon Choi & Jun-Ho Huh (2022). System Design for Detecting Real Estate Speculation Abusing Inside Information: For the Fair Reallocation of Land. *Land, MDPI*, 11(4), ۵۶۵